

# معرفی نوع خاص و نادری از سفال که در معماری ابتدای دوره اسلامی در ناحیه مرکزی ایران بکار رفته

سید علی جلیلی

همراه با تصاویر بسیار بچاپ رسیده و ما در این مقاله با اقتباس از گزارش مزبور به معرفی نکات برجسته و قابل توجه در باره این نوع سفال و کاربردهای آن می‌پردازیم و تصاویری را که معرف انواع آنها و طرز بکارگیری آنها است، ارائه می‌دهیم.

این سفال‌ها بصورت ورقه‌هایی هستند که بر یک وجه آنها نقوشی قالب زده شده که فاقد قرینه‌سازی است و این نقوش که تقریباً نیمی از سطح سفال را فرا گرفته‌اند عبارتند از نوارهایی با برآمدگی زیاد، که مقطع آنها نیم دایره یا ذوزنقه یا مثلثی شکل است و گل رسی که در ساخت آنها بکار رفته بیشتر به رنگ زرد و گاهی به رنگ صورتی است. تمامی سفال‌های بدست آمده بصورت خرد شده و شکسته شده است و یک قطعه سفال کامل در میان آنها دیده نمی‌شود، ولی می‌توان ابعاد سفال‌های اصلی را حدس زد: عرض بین ۱۸ تا ۲۲ سانتی متر، بلندی بین ۴۲ تا ۵۲ سانتی متر و ضخامت بین ۲/۸ تا ۴ سانتی متر. چنانکه اشاره کردیم تزئین این سفال‌ها عبارت است از یک رشته نوارهای برجسته که گاه با عناصر دیگری نیز همراه است و این نوارها بر حسب اندازه و ابعاد و شکل قرار گرفتن و ترکیب با عناصر همراهی کننده خود، ۵ گروه سفال را به ما عرضه می‌دارند:

در گروه یک، نمونه‌هایی قرار دارند که به همدیگر بسیار نزدیکند و تالبه سفال امتداد پیدا می‌کنند (شکل‌های ۱-۲-۳). در یکی از نمونه‌های این گروه، شیار بین نوارها ساده نیست بلکه رگه‌ای در وسط آن قرار دارد (شکل ۴).

در گروه‌های دیگر تزئین اندکی پیچیده‌تر است: نوارها باریکتر و شیار بین آنها پهن‌تر است و تالبه سفال امتداد پیدا می‌کند (برخلاف گروه یک)، بلکه قطعه سفال دارای یک حاشیه تخت است که گاهی روی یک وجه سفال و گاهی روی هر سه وجه

در حین کاوشهای باستان‌شناسی که در قسمت تحتانی مسجد جمعه اصفهان انجام گرفته، خرده‌هایی از سفال که به نوع خاصی از تزئینات معماری اختصاص داشته، به مقدار زیاد به دست آمده است.

این سفال‌ها که در جای دیگری مشابه آن تقریباً مشاهده نشده، درست در زیر کف مسجد پیدا شده و ظاهراً جزو مصالحی بوده که در موقع تخریب بنای قبلی به دست آمده و مجدداً در ساخت بنای جدید بکار رفته‌اند. این سفال‌های منقش مربوط به آخر دوره ساسانی و شروع دوره اسلامی است و حداکثر تا سال ۲۲۶ هجری کاربرد داشته است. در آن زمان زمینی که این مصالح در آن بکار رفته بود تسطیح شده، تا برای بازسازی و احتمالاً توسعه مسجد کهنی که در سال ۱۵۶ هـ ساخته شده، آماده شود.

چنانکه اشاره کردیم، مشابه این سفال‌ها در تحقیقات چاپ شده که در دسترس بوده، جایی معرفی نشده است، به استثنای یک مورد، که در همین مقاله معرفی و نشان داده خواهد شد که بررسی کنندگان در مورد کاربرد آنها تفسیر قابل قبولی بدست نداده‌اند.

پروفسور اومبرتو سراتو Prof. Umberto Scerrato استاد دانشگاه رم، که فعالیت‌های هیأت باستان‌شناسی ایتالیایی را اداره می‌کرده، برای نخستین بار در گزارشی به معرفی این نوع خاص و ناشناخته سفال پرداخته که در معماری ناحیه مرکزی ایران بکار رفته است. گزارش مزبور به زبان ایتالیایی در مجموعه

STUDI IRANICI, Centro cultural italo-Iraniano, Romma  
1977

سفال قرار دارد. در گروه دوم نوارها، علاوه بر این، در یک طرف بشکل کنگره‌ای به هم متصل شده‌اند (شکل‌های ۵ تا ۱۰).

گروه سوم از نظر نقوش می‌تواند صورت تغییر یافته‌ای از گروه قبلی باشد، که در عین حال برای خود مستقل است (شکل‌های ۱۲ - ۱۱). گِل رُس زرد روشن آن خالص‌تر و صیقلی‌تر است. نقش آن بسیار کوچک و دور تا دور قسمت نواردار آن را حاشیۀ صاف و پهنی فراگرفته است. نوارها بسیار نازکند و از همدیگر فاصله دارند و در یک سر آنها حاشیۀ صافی است که دندان‌هایی در آن بوجود آمده و این دندان‌ها در مقابل شیارهای بین نوارها قرار دارند. در فاصلۀ بین دندان‌ها و حاشیۀ پهن سفال یک نوار عمودی بسیار نازک کشیده شده است.

از گروه چهارم تنها یک نمونه در دست است. گِل آن به رنگ صورتی بسیار زُخت است و قسمت نقش دار آن با آخرای سرخ، رنگ آمیزی شده (شکل ۱۳) و حداقل در سه طرف آن حاشیۀ دور تا دور قسمت نقش دار را احاطه کرده است. تعداد نوارها پنج عدد و مقطع آنها نیم دایره‌ای است، نسبتاً نازک هستند و بر عکس دو گروه قبلی، این نوارها به هم متصل نیستند و انتهای آنها گرد است و یک سری دانه‌ها روبروی آنها است که به یک نوار افقی متصل ولی از آن نوارهای عمودی جدا هستند.

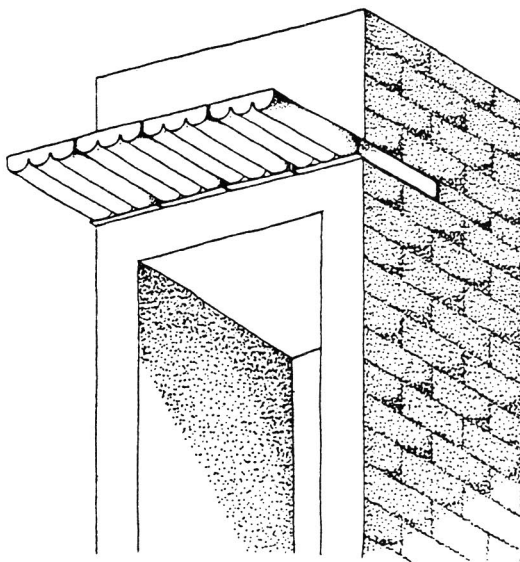
از گروه پنجم نیز تنها یک قطعه بدست آمده (شکل ۱۴). نوارها مقطعی تقریباً مثلثی - ذوزنقه‌ای شکل دارند و انتهای آنها بوسیله یک کمانمانندی به هم متصل است و از این نظر یادآور گروه‌های ۲ و ۳ است، فقط حاشیۀ اطراف آنها از نوار صافی تشکیل شده که برآمدگیهای مثلثی شکل رو به داخل از آن منشعب شده‌اند.

کاربرد این سفال‌ها ابتدا روشن نبود، بخصوص از این جهت که اولین سفال‌هایی که پیدا شدند، بصورت تگه‌هایی کوچک بودند و مشابهی هم برای مقایسه در دست نبود. نخست به نظر آمد که شاید قطعاتی از یک حاشیۀ تزئینی باشند، ولی بعداً معلوم شد چنین نیست چون نقوش و تزئینات این سفال‌ها فاقد قرینه‌سازی است و علاوه قسمت بدون تزئین بزرگتر یا مساوی قسمت تزئین دار است و به این ترتیب ممکن بود بشود حدس زد که تنها همین قسمت تزئین دار در مقابل دید قرار می‌گرفته. از اینجا نتیجه گرفته شد که احتمالاً قطعه آجر سفالی بحالت افقی در داخل بدنه دیوار قرار می‌گرفته بطوریکه قسمت صاف آن در

درون دیوار و قسمت تزئین دار بیرون بوده و البته این قسمت تزئین دار می‌بایست از پایین دیده شود و چنانکه در اشکال الف - ب - ج ملاحظه می‌شود، حالت سایه بان داشته. آنچه این احتمال را القاء می‌کند یکی همان بی تقارنی تزئینات است و یکی دیگر، بخصوص، شکل خاص تزئینات مزبور است.

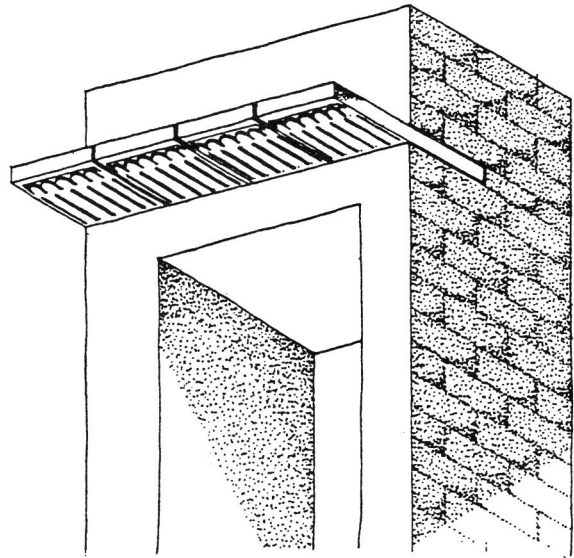
اگر سفال‌های گروه یک را در نظر بگیریم، نقش نوارهای نیم دایره‌ای این فکر را بوجود می‌آورد که شاید اقتباس از طرز قرار گرفتن تیرهای چوبی باشد که کاملاً نزدیک به هم قرار گرفته‌اند. در گروه‌های دیگر باز همین تصوّر به ذهن القاء می‌شود گرچه سطح تزئین شده قدری غنی‌تر شده و بخاطر همین غنای تزئینات، هدف اولیه کاربرد آن دیرتر آشکار می‌شود. بنابراین بنظر می‌رسد قرار گرفتن این سفال‌ها پهلوئی هم در واقع جایگزین یک سایه‌بان چوبی بوده، که بحالت قرنیز بالای دیوار یا به حالت محافظ و سایه بان بر روی درها و پنجره‌ها قرار می‌گرفته (شکل‌های الف - ب - ج).

البته با آگاهی‌های فعلی نمی‌توانیم بگوییم که آیا سفال‌های هم شکل همه پهلوئی یکدیگر قرار می‌گرفته یا در فاصلۀ بین آنها، یک در میان، قطعات نوع دیگری مثلاً سفال‌های صاف قرار داشته است. هیچ بنای قدیمی در ایزان سراغ نداریم که چنین مصالحی در آن بکار رفته باشد. سایه بانهایی که هنوز بکار می‌روند چوبی هستند و نوع آنها هم بکلی متفاوت است و در بناهای متأخر دوره



شکل الف - کاربرد احتمالی سفال‌های منش، از گروه یک، اصفهان

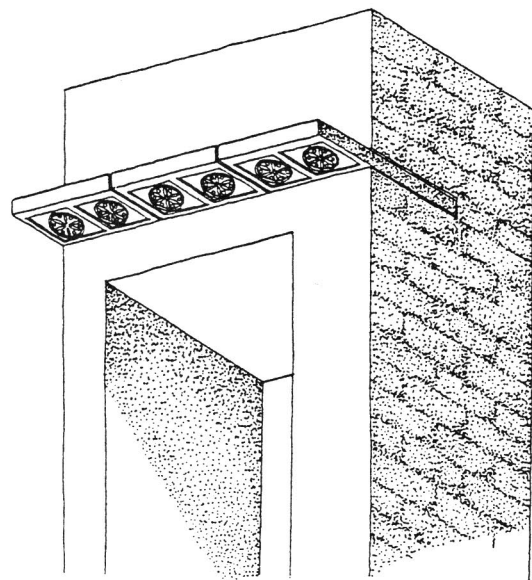
بدهد یا ندهد. نمونه‌های متداول این سایه بانها در معماری روستایی آسیای غربی از آناتولی تا نواحی شمالی ایران، مخصوصاً در نواحی خزری، مازندران و گیلان، یافت می‌شوند (شکل‌های ۳۰ و ۳۱)<sup>(۱)</sup> که این نوع معماری یادگار بازمانده‌ای از یک معماری بسیار قدیم است، و ضمناً یادآور ساخت قبرهای مشهور لیکیه (Licia) قدیم است (شکل ۳۲)<sup>(۲)</sup> که خود آن قبرها نیز نماینده تداوم معماری روستایی محلی می‌باشد (شکل ۳۳)<sup>(۳)</sup>. برخی جزئیات جالب در آثار باستانی ایران نیز به چشم می‌خورد از قبیل قبرهای دوران ماد که نمونه آنها در قَرَقَپان<sup>(۴)</sup> وجود دارد.



شکل ب - کاربرد احتمالی سفالهای منقش، از گروه دو، اصفهان

پروفسور شیراتو رئیس هیأت باستان‌شناسی ایتالیایی، مسأله سفال‌های اصفهان را با استاد کریم پیرنیا و همچنین با آقای دکتر شیرازی<sup>(۵)</sup> مطرح ساخته و آنان نیز تفسیر مشابهی پیشنهاد کرده‌اند. آقای دکتر شیرازی این نکته را متذکر شده‌اند که در مسجد جمعه اردستان به پاره آجرهایی برخورداند که نقش گل بر آنها حک شده و در پوشش متأخر مسجد جمعه مزبور مجدداً مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در این پاره آجرها نیز بنظر می‌آید که نقش تزئینی بدون تقارن فقط بر یک وجه آجر نقش شده بوده است.

در میان عکسهایی که توسط «پروفسور جان روبرتو اسکارجیا» از مسجد جمعه فهرج گرفته شده به آجرهایی



شکل ج - کاربرد احتمالی سفالهای منقش، از یک نوع سفال که در فهرج پیداشده

قاجار دیده می‌شوند.

این نوع سایه بان سفالی ظاهراً از سقف‌های مسطحی اقتباس شده که پوشش گلی آن توسط تیرهای نتراشیده و به هم چسبیده نگاهداشته می‌شود و مقطع آنها در اطراف و در پیشانی ساختمان مخفی نیست، بلکه نمایان است و ممکن است تشکیل سایه بان هم

۱- قس. "M. Dieulafoy, 'L'Art de la Perse', ج ۲، پاریس ۱۸۸۴، ش ۳۴-۳۵، ص ۴۶-۴۵؛ همچنین "A. Godard, 'Uoutes Iraniennes'", در آثار ایران، ج ۴، بخش ۱۹۴۹، ش ۱۸۸ و ۱۷۲.  
 ۲- "W.B. Dinsmoor, 'The Architecture of Ancient Greece'", لندن، نیویورک و غیره، ۱۹۵۰، تص. ۱۹.  
 ۳- "Sir C. Fellows, 'An Account of Discoveries in Lycia'", لندن، ۱۸۴۱، تص. روبروی ص ۱۲۹.

۴- "C.J. Edmonds, 'A Tomb in Kurdistan' ((Iraq)), ج ۱، ۱۹۳۴، ص ۱۸۳ به بعد؛ "H. Von Gall, 'Neue Beobachtung zu den sog. medischen Felsgrabern'" گزارش دومین سمپوزیوم ستلانه تحقیقات باستان‌شناسی در ایران، تهران ۱۹۷۳، تهران ۱۹۷۴، ص ۱۳۹-۱۴۵، ش ۷، قس. همچنین ش ۱۱، استودان نزدیک استخر.

۵- آقای دکتر باقر آیت...زاده شیرازی (قائم مقام کنونی سازمان میراث فرهنگی کشور)، که بنا به نوشته پروفسور شرآتو، تحقیقات مهمی را در مسجد جمعه اردستان به ثمر رسانده است.

برمی‌خوریم که نقش‌هایی بر آنها حک شده و در حین انجام عملیات مرمت و بازسازی مسجد مزبور از موادی که در پوشش آن مسجد بکار رفته بدست آمده است.

در مسجد فهرج پنج تکه سفال بدست آمده که تزئین آن فاقد قرینه سازی است و فقط بر یک وجه سفال، نزدیک لبه نقش شده است. این مورد در یکی از قطعات بدست آمده که قسمت بدون تزئین آن کاملاً سالم مانده بخوبی مشخص است. طرحی که برای تزئین بکار رفته در هر ۵ قطعه شبیه به هم است و عبارتست از دو قطعه آجر بهم چسبیده که نقوش آنها سه نوع مختلف است:

در قطعه اول، بعرض ۲۱/۳ سانتی متر، به رنگ قرمز، دو قطعه آجری که بهم چسبیده دارای یک نوع نقش گل با ۸ گلبرگ هندسی بشکل لوزی است که به یک دگمه کوچک مرکزی منتهی می‌شوند (شکل ۲۲). قطعه‌های ۲ و ۳، به ترتیب با عرضهای ۲۲/۶ و ۲۲/۸ سانتی متر، به رنگ زرد، قسمت مربوط به ناحیه صاف و بدون تزئین را هم حفظ کرده‌اند. دو قطعه آجر تشکیل دهنده آن دارای نقش‌های لوزی متحدالمرکزی هستند که در آنها لوزی مرکزی به شکل چهار گوش است (اشکال ۲۴ و ۲۵). قطعات ۴ و ۵ دارای تزئینات غنی تری هستند؛ نمره ۴ عبارت از قطعه‌ای است که یک نیمه آجر را تقریباً بطور کامل دربر دارد (شکل ۲۷). نمره ۵ (شکل‌های ۲۶ و ۲۷)، که شکسته شده، دارای دو نیمه آجر است که بهم چسبیده‌اند ولی قسمت تزئین نشده، که عرض ۲۶/۷ و بلندی ۲۵/۶ سانتی متر دارد، کاملاً سالم است (شکل ۲۶). هر نیمه آجر دارای نقش گل است با شش برگ باریک و نوک تیز که در فاصله بین آنها به همان تعداد، برگهای لوزی شکل قرار گرفته و یک قاب چهار گوش به شکل دانه‌های مروارید اطراف گل را احاطه کرده است.

ابعاد این قطعات حدوداً مساوی سفال‌های اصفهان است بااستثنای قطعه ۵ که به بیش از ۲۷ سانتی متر می‌رسد. می‌توان حدس زد که طول اصلی سفال حدوداً ۴۰ سانتی متر بوده است و از آنجا قسمت مرئی سفال می‌بایست حدود ۱۶ - ۱۵ سانتی متر بوده باشد. نسبت میان قسمت مرئی (یعنی تزئین دار که می‌بایست در معرض دید باشد) و قسمت بی تزئین (تقریباً ۲۴ سانتی متر) مانند نسبت ۲ به ۳ است و این همان نسبت معمول در بیشتر سفال‌های نواردار اصفهان است.

جای شکی بنظر نمی‌رسد که هم آجرهای دارای تزئینات بی تقارن در اردستان و هم این آجرهایی که هم اکنون از نظر گذرانندیم و متعلق به فهرج هستند، از نظر نوع تزئینات و نقوش، همانند سفال‌هایی هستند که از سطوح «ماقبل مسجد» اصفهان بدست آمده‌اند و بنابراین کاربرد آنها نیز می‌بایست مانند همان سفال‌های تشکیل دهنده قرنیز یا سایه بان برای دیوارها باشد.

در ابتدای این گزارش اشاره به فقدان امکانات مقایسه با مواد دیگری که در تحقیقات دیگران شده باشد کردیم؛ در میان تحقیقاتی که تاکنون بچاپ رسیده چیزی قابل مقایسه با این مواد بدست نیامده، بااستثنای یک مورد و آن عبارت از حفاریهای باستان‌شناسی است که در «قبیرا»ی کرمان تحت نظر A.D.H. Bivar و G.fehervari انجام گرفته و موادی نسبتاً شبیه سفال‌های اردستان و فهرج بدست آمده است.<sup>(۶)</sup> چنانکه از گزارش این حفاریها بر می‌آید، این مواد بوفور در سطح ناحیه C شهرک قبیرا یافت شده‌اند<sup>(۷)</sup>. این سفال‌ها مزین به نقوش حک شده با دو نوع ماتریس هستند (شکل‌های ۲۸ و ۲۹).

در یک گروه از سفال‌ها، درون یک نیمه آجر مستطیل شکل، که قاب صاف و پهن و فرورفته‌ای دارد، دو نخل کوچک برجسته به چشم می‌خورد که در جهت دو قطر مستطیل به شکل + قرار گرفته‌اند<sup>(۸)</sup> و در واقع مشابه نیمه آجرهای بهم چسبیده فهرج هستند (شکل ۲۸). در گروه دیگر سفال‌ها نقش طوماری را با نوشته‌هایی بخط کوفی می‌بینیم (شکل ۲۹) «نوشته‌های کوفی بصورت معکوس حک شده و یک کلمه عربی را نشان می‌دهد که ظاهراً باید «الملکه» خوانده شود و غالباً در قطعه سفال‌های دیگر هم قسمتی از این کلمه تکرار می‌شود»<sup>(۹)</sup>. در خصوص سبک این نوشته‌ها که بخط کوفی پیشرفته است، سبک قرون ۱۱ و ۱۲ م.

۶- A.D.H. Bivar & Fehervari, "excavations at Ghubayra", 1971 (Journal of the Royal Asiatic society), ۱۹۷۴, ص ۱۰۷ - ۱۴۱, تص ۳, b و a؛ همچنین ((Qobeyra 1974, advance report on third season)) در «گزارش سومین سمپوزیوم سالانه تحقیقات باستان‌شناسی در ایران»، تهران ۱۹۷۴، تهران ۱۹۷۵، ص ۲۵۵.

۷- همان اثر، یادداشت ۴، ص ۱۱۵.

۸- همان اثر، تص. III b. ۹- همان اثر، تص. III a, ص ۱۱۵.

پیشنهاد شده است «وجود این خرده سفال‌ها که در سطح پیدا شده این فکر را القاء می‌کند که احتمالاً یک «ساخت و ساز اساسی» از دوره پیش از مغول وجود داشته است»<sup>(۱۰)</sup>.

باستان‌شناسانی که در قبیرا حفاری کرده اند در مورد کشف کاربرد این قطعات دچار اشکال شده‌اند و توضیحی را مطرح ساخته‌اند که چندان قابل قبول بنظر نمی‌آید. به نظر آنان «هدف اصلی از این نقوش، تزئین نبودن است، زیرا نقش روی هر آجر بدون رعایت قرینه سازی حک شده و بعلاوه هیچ متنی از این نوشته‌ها بدست نمی‌آید و گذشته از این، نشان دهنده مدل تزئینی خاصی هم نیست. آنچه بیشتر قابل پذیرفتن است این است که این سفال‌ها برای پرداخت مالیات بکار می‌رفته، بدین ترتیب که مثلاً سفال‌هایی که روی آنها کلمه «الملکه» نوشته شده به عنوان مالیات به یک مالک دیگر داده می‌شده که در این مورد خاص، آن مالک محلی یک حکمران زن بوده، در حالیکه سفال‌های دیگر با نقش‌های دیگر ظاهراً به اشخاص مهم دیگر داده می‌شده است (مثلاً سفالهایی که نقش نیزه دارد به فرمانده نظامی شهر داده می‌شده است)<sup>(۱۱)</sup>.

مطمئناً بدست آمدن سفال‌ها در سطح زمین و بدست نیامدن «سازه اصلی» که سفال‌های مزبور می‌بایست متعلق به آن باشند «متأسفانه حتی یک قطعه از این آجرها در جای خود بدست نیامده»<sup>(۱۲)</sup> و همچنین فقدان امکان مقایسه، آن دو باستان‌شناس را در تفسیر آجرهای قبیرا با تزئیناتی که بر آنها حک شده دچار گمراهی ساخته. ممکن است که آنان در خصوص کاربرد این مصالح دچار انحراف شده باشند و چون فاقد قرینه سازی است (البته فاقد نظم نیست) نخواسته باشند بپذیرند که نقشها جنبه تزئینی داشته است. دلیل دیگر این اشتباه ممکن است بکار رفتن نوشته در آنها باشد که برای آنان یادآور مهر زدن روی آجرها در روم قدیم بوده که این توهّم را بوجود آورده که در مورد سفال‌های مورد نظر نیز چنین کاری انجام می‌شده. باید متذکر بود که مهرهایی که روی آجر در روم قدیم حک می‌شده همواره تقریباً در وسط و بر روی یکی از وجوه قرار داشته که طبعاً بدلیل امکان کنترل بوده است<sup>(۱۳)</sup>. دقیقاً همین عدم تقارن نقوش حک شده بر روی این سفال‌ها دلیل شک کردن در باره نظر آن دو دانشمند است. دلیل دیگر هم قرائت پیشنهادی نوشته «الملکه»

است که صحت آن بگفته خود آنان محل تردید است. تنها زنی که در تاریخ آن ناحیه اهمیت و آوازه‌ای یافته «ترکان خاتون» است که بین سالهای ۶۵۵ و ۶۸۱ ه. از طرف ایلخانان بر آنجا حکومت می‌کرده است. این نوشته را نمی‌توان بدوران حکومت ترکان خاتون نسبت داد چون سبک آن محققاً کهنه‌تر است «احتمالاً مربوط می‌شود به آخر قرن ۱۱ یا به قرن ۱۲ میلادی» (دوران حکومت ترکان خاتون قرن سیزدهم میلادی بوده است) و خود Bivar و Fehervari هم چنین ارتباط و اسنادی را نفی می‌کنند «از طرف دیگر ممکن است آثاری از برخی شیوه‌های تزئینی ادامه یافته باشد بخصوص در یک آبادی کوچک از یک شهرستان، مانند قبیرا»<sup>(۱۴)</sup>. تداوم نداشتن نوشته‌ها نیز مغایرتی با تزئینی بودن نقوش سفال‌ها ندارد؛ چنانکه می‌دانیم بکار بردن کلمات منفرد در کتیبه‌های اسلامی، از کاشیکاری گرفته تا معماری، سابقه دارد؛ که در آنها خوانا بودن نوشته در درجه دوم اهمیت است چون در بسیاری موارد القای سمبلیک یک طرح از اهمیت بیشتری برخوردار است تا القاء از طریق کلمات<sup>(۱۵)</sup>.

با ملاحظات فوق جای شکی باقی نمی‌ماند که آجرهای قبیرا هم با نقوش حک شده بی تقارن نشان سفال‌هایی برای قرنیز یا سایه بان بوده‌اند همانند سفال‌های اردستان و فهرج و اصفهان. اما از نظر تاریخ و قدمت این سفال‌ها، به نظر می‌آید مال اصفهان

۱۰- همانجا. ۱۱- همان اثر، ص ۱۳۱-۱۳۲.

۱۲- همان اثر، ص ۱۳۱.

۱۳- علامت زدن بر روی آجرها در معماری اسلامی چیز ناشناخته‌ای نیست، ولی زدن مهر بر روی آجر امر بسیار نادری بنظر می‌آید. تنها در یک مورد، نوشته‌ای را که بر روی آجر پخته حک شده می‌توان به این نوع نسبت داد، که آن هم هنوز به روشنی معلوم نیست، و آن عبارت از نوشته‌هایی است در درون یک «مهر» بزرگ دایره‌ای شکل با قطر تقریباً ۱۰-۱۱ سانتی متر که بر روی آجرهای به ابعاد ۵×۳۲×۳۲ متعلق به قرن یازدهم م. حک شده‌اند و در Dasli, i Depe در ترکمنستان بدست آمده است (شکل د). رک.

R. Ettinghausen, "Arabic Epigraphy: communication or Symbolic affirmation" در "Near Eastern Numismatics, Iconography, epigraphy and History". studies in Honor of George C. Miles (D.K. Kouymijan, ed), berruth 1974. ص ۲۹۷-۳۱۷.

۱۴- همان اثر، ص ۱۳۲.

۱۵- R. Ettinghausen, "Arabic Epigraphy: communication or Symbolic affirmation" در "Near Eastern Numismatics, Iconography, epigraphy and History". studies in Honor of George C. Miles (D.K. Kouymijan, ed), berruth 1974. ص ۲۹۷-۳۱۷.

قدیمی‌تر از بقیه باشد چون مربوط به قبل از مسجد ستون دار فعلی است که بنا به آخرین تحقیقات باستانشناسی، حداکثر حوالی سال ۸۴۰ میلادی بنا شده است. بنظر نمی‌رسد که سفال‌های مزبور برای ساخت مسجد بکار رفته باشند، چه با بررسی لایه‌های ساختار مسجد هیچیک از قطعه‌ها قابل اسناد دادن بدان نمی‌باشد.

در خصوص سفال‌های فهرج، تصور می‌رود بتوان آنها را تقریباً همزمان با تاریخ بنای مسجد دانست که به اغلب احتمال، در نیمه قرن نهم م. بوده است. سبک تزئین قطعه سفال‌ها، بخصوص شماره‌های ۴ و ۵ با طرحی که در وسط یک قاب مروارید شکل قرار دارد، همان سبک قدیم ساسانی است که چنانکه می‌دانیم مدتها در هنر اسلامی ایران پایدار بوده و همین نکته، یعنی استفاده از این سبک تزئین، دلیلی برای این حدس است. سبک نوشته، بخط کوفی پیشرفته، که باعث شده است تا Bivar و Fehervari تاریخ سفال‌های قبیرا را قرون ۱۱ و ۱۲ بدانند تناقضی با نقش نخل نیزه‌ای شکل که بر روی سایر سفال‌های آن محل دیده می‌شود ندارد.

سفال‌های اصفهان نه فقط بدلائل مربوط به باستان شناسی، بلکه همچنین بدلیل شکل و نوع آنها، بنظر قدیمی‌تر می‌آیند. این سفال‌ها یادآور بامهای لبه دار چوبی هستند که از تیرهای کوچک و ناصافی تشکیل شده‌اند که چسبیده بهم قرار گرفته‌اند و ظاهراً از نظر سبک کار، قدیمی‌تر از بامهای لبه داری هستند که از تیرهای کوچک فاصله دار تشکیل شده‌اند و بوسیله تخته های صاف افقی بهم مربوط شده‌اند و نمونه‌های آنها بوفور در ایران در بامهای لبه دار دوره قاجار مشاهده می‌شود. این لبه های چوبی تقریباً همیشه در سمت زیرین خود دارای نقشهای تزئینی رنگین هستند. در سفال‌های اردستان و فهرج و قبیرا از همان شکل‌هایی که معمولاً بر روی نمونه های چوبی ترسیم و رنگ آمیزی شده آن اقتباس گردیده و از این میان جدیدترین نقشی که مورد اقتباس قرار گرفته نقش کتیبه است. آنها نیز می‌بایست رنگ آمیزی شده باشند و یادآوری می‌کنیم که بر روی بسیاری از سفال‌های اصفهان اثرهایی از اُخرای قرمز و زرد و آبی فراوان یافت می‌شوند و همین سه رنگ است که نقاشیهای ابنیه قدیمی بخصوص اسلامی را تشکیل می‌دهد. ضمناً یادآوری

می‌کنیم که سطح برخی از سفال‌های اصفهان را لایه نازکی از گچ پوشانده تا آماده برای نقاشی و رنگ آمیزی شود.

اهمیت بررسی این سفال‌ها در این است که ناحیه‌ای که این سفال‌ها در آنجا بدست آمده نسبتاً کوچک و محدود به ناحیه مرکزی ایران و در ناحیه‌ای است که تحقیقات باستان‌شناسی بمعنای واقعی در زمینه دوران ساسانی و اسلام عملاً صورت نگرفته. در نواحی دیگر ممکن بود چنین مدارکی مورد توجه واقع نشود.

سفال‌هایی از این نوع به نظر نمی‌آید که تابحال در هیچ بنای دیگری دیده شده باشند. علتش ممکن است این باشد که این مصالح زینتی بخاطر محل قرار گرفتنشان و بخاطر جنس خودشان بسیار در معرض شکستن و خرد شدن هستند و از اولین مصالحی هستند که دچار آسیب زمان می‌شوند و بزمین می‌افتند و می‌شکنند. حال اگر بیاد آوریم که این سفال‌ها در معمولی‌ترین صورت خود ممکن بود بصورت ورقه‌های سفالین ساده و بدون تزئین باشند، براحتی می‌توانیم فرض کنیم که وقتی اینها بزمین بیفتند و تکه تکه شوند، بخاطر اندازه هایشان قابل تشخیص از آجرهای معمولی نیستند. اینکه این مصالح را در ابنیه قدیمی موجود نمی‌یابیم علتش ممکن است این باشد که این مصالح در معماری از زمان های قدیم، دیگران دور خارج شده بودند و دلیل دیگرش، بخصوص، اینست که آنها متعلق به معماری ابنیه کوچک و سطح پایین و متعلق به آن نوع معماری روستایی بوده‌اند که همواره از مصالح بی دوام و ضایع شدنی استفاده می‌کرده و تنوع و تجدد نمی‌پذیرفته و در نتیجه در نمونه‌های موجود شناخته نیست و عملاً در تحقیقات باستان شناسی چیز ناشناخته‌ای است. از طرف دیگر استفاده از قرنیز و سایه بانهای آجرین و سفالین در معماری اسلامی کلاسیک بطور اعم، و در معماری ایران بطور اخص، کاربردی نداشته است.

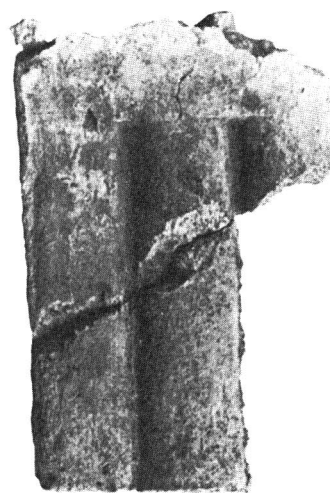
نتیجه آنکه، اگر این تفسیر درست باشد، تکه آجرهای دارای نقوش حک شده بدون تقارن سفال‌هایی بوده‌اند برای قرنیزها و بام‌های لبه دار که در ابنیه کوچک روستایی، و احتمالاً در نواحی کوهستانی غیر خشک، کاربرد داشته و دامنه آن به معماری رسمی ساختمان‌های بزرگ کشیده نشده یا اگر در موارد استثنایی کشیده شده، در اینجا برای ما قابل اثبات نیست. تزئینات

پرورده‌تری پیدا کرده است، مانند همان نقشی که در میان یک قاب  
 مروارید، مانند محصور گشته یا همان طومارمانندهایی که  
 حاوی کتیبه‌ای بخط کوفی است.

سفال‌های مزبور در برخی از موارد، مثلاً در سفال‌های نوآردار  
 مسجد اصفهان، اقتباسی از نمونه‌های اصلی چوبین است، در  
 حالیکه در سفال‌های اردستان و فهرج و قبیلا این تزئینات، لااقل  
 در برخی نمونه‌ها، به نقاشی نزدیک شده و نقش‌های پخته‌تر و



شکل ۳ - سفال، گروه یک



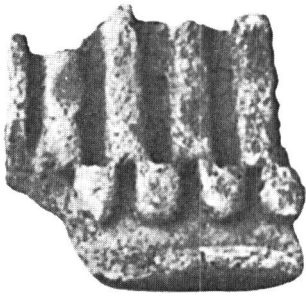
شکل ۱ - مسجد جمعه اصفهان، سفال، گروه یک



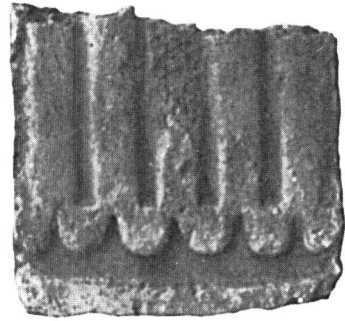
شکل ۴ - سفال، گروه یک



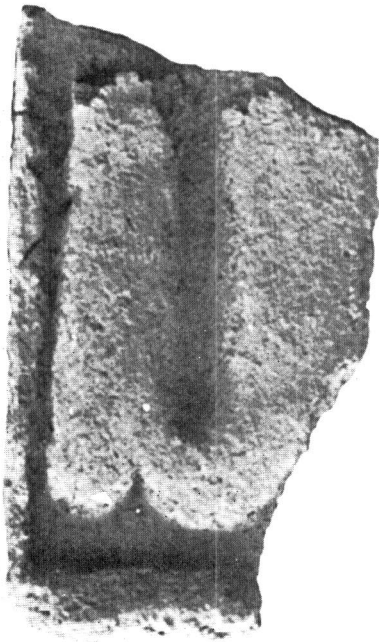
شکل ۲ - سفال، گروه یک



شکل ۸ - سفال، گروه دو



شکل ۵ - سفال، گروه دو



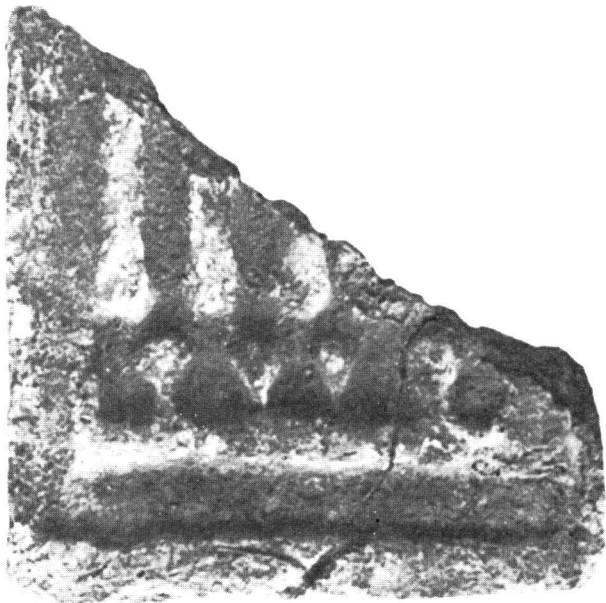
شکل ۹ - سفال، گروه دو



شکل ۶ - سفال، گروه دو



شکل ۷ - سفال، مسجد جمعه، گروه دو



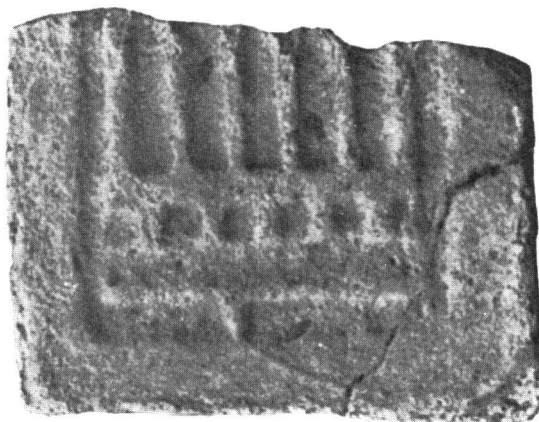
شکل ۱۳ - سفال، گروه چهار



شکل ۱۰ - سفال، گروه دو



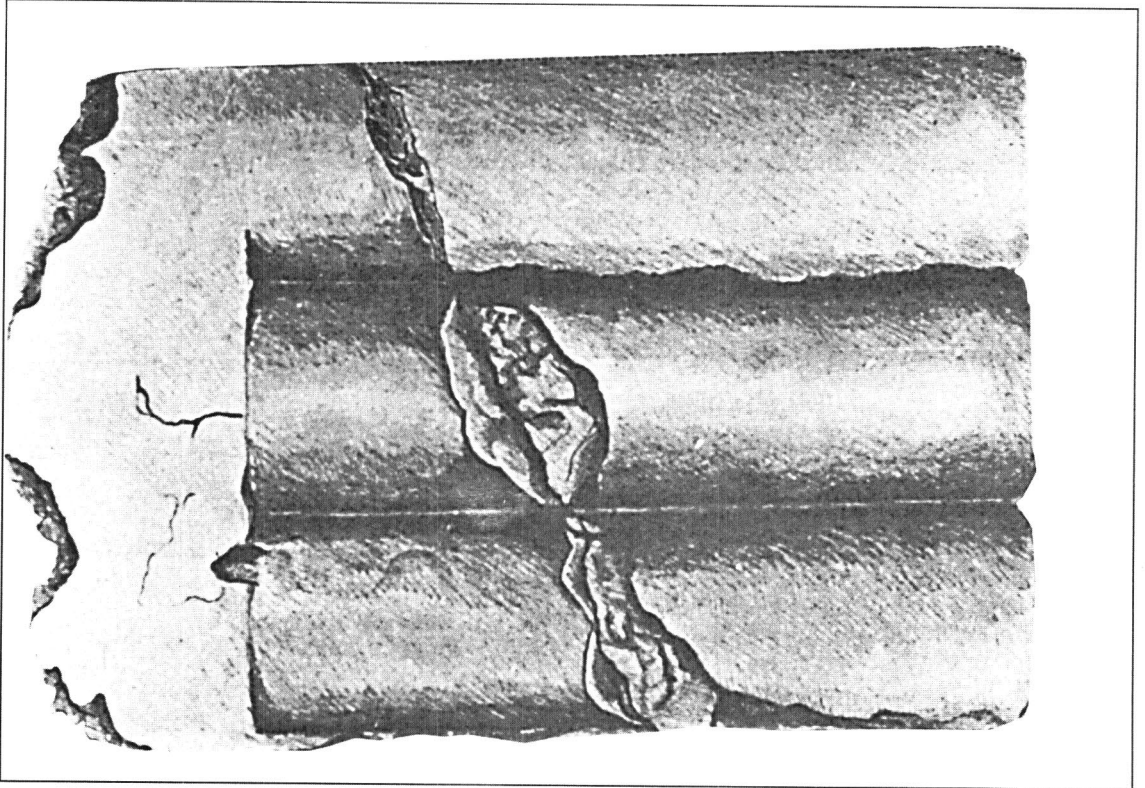
شکل ۱۴ - سفال، گروه پنج



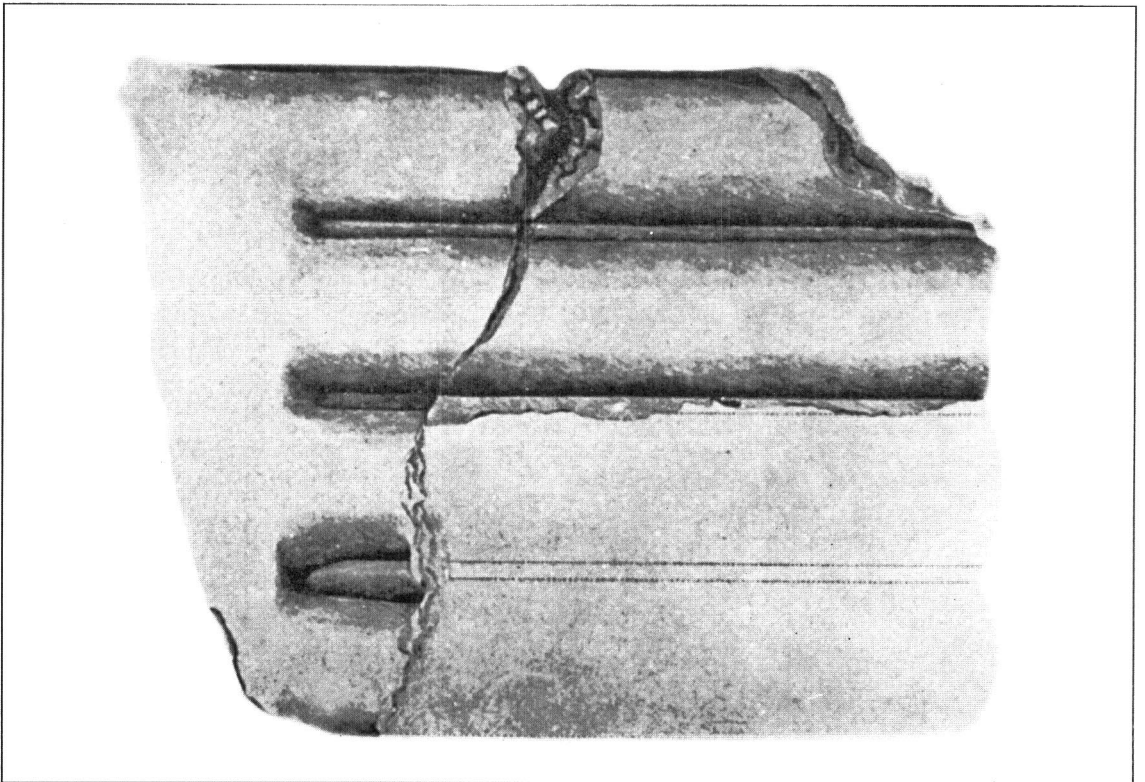
شکل ۱۱ - سفال، گروه سه



شکل ۱۲ - سفال، گروه سه

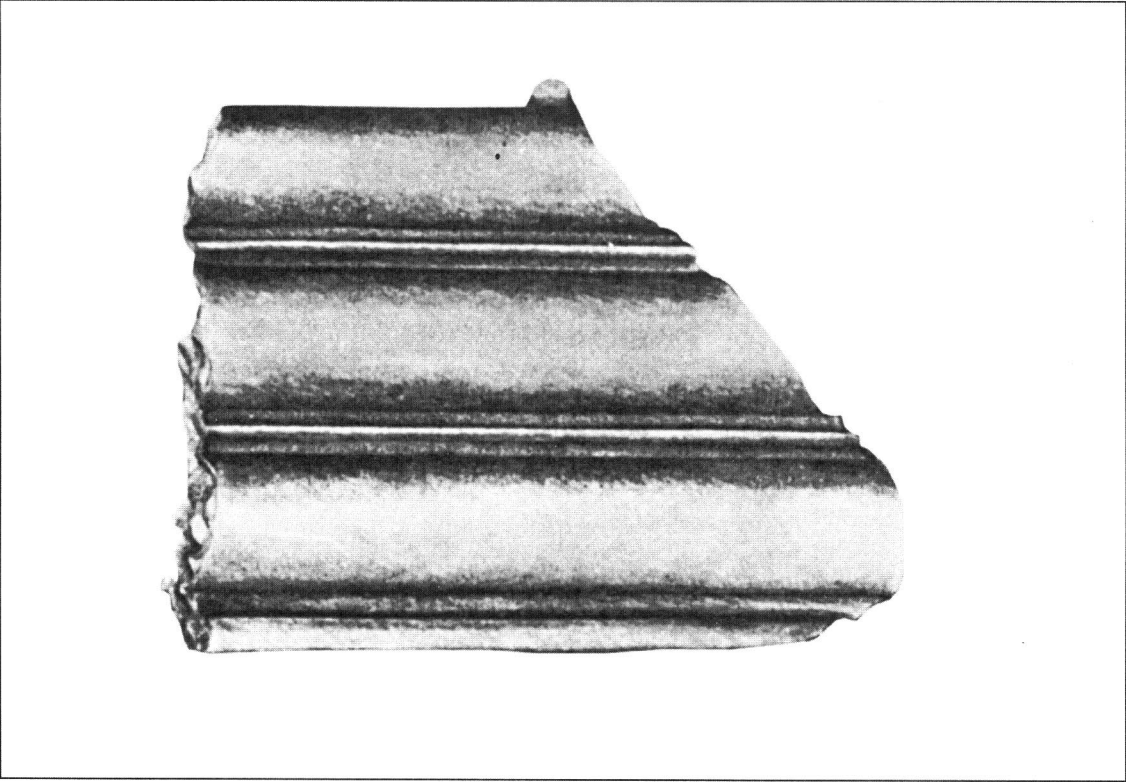


شکل ۱۵ - ستون، مسجد جمعه، گروه یک

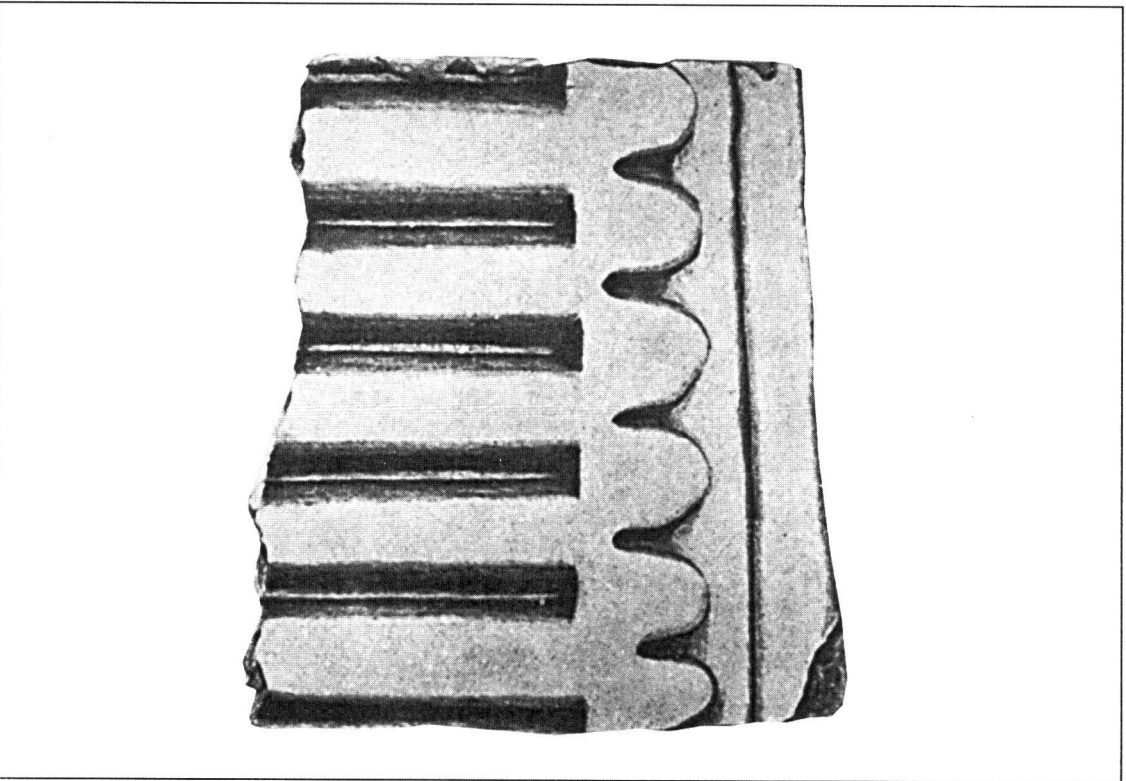


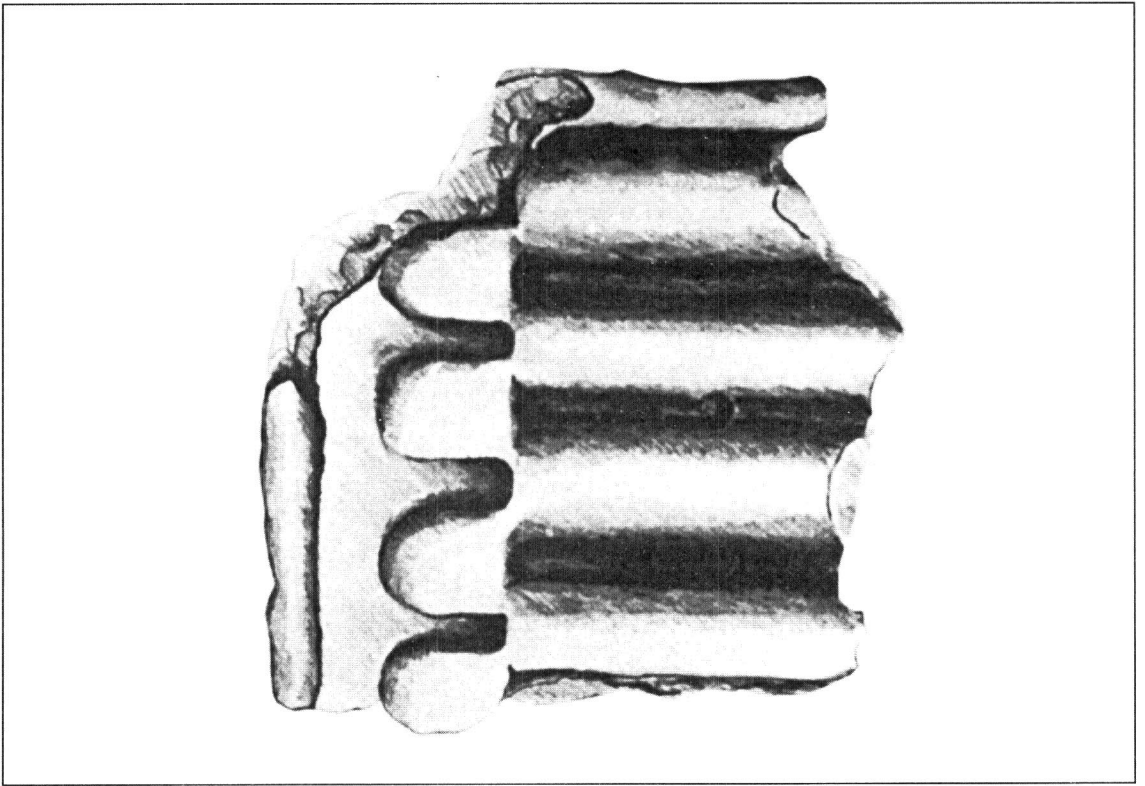
شکل ۱۶ - ستون، مسجد جمعه، گروه یک

شکل ۱۷ - سفال، مسجد جمعه، گروه یک

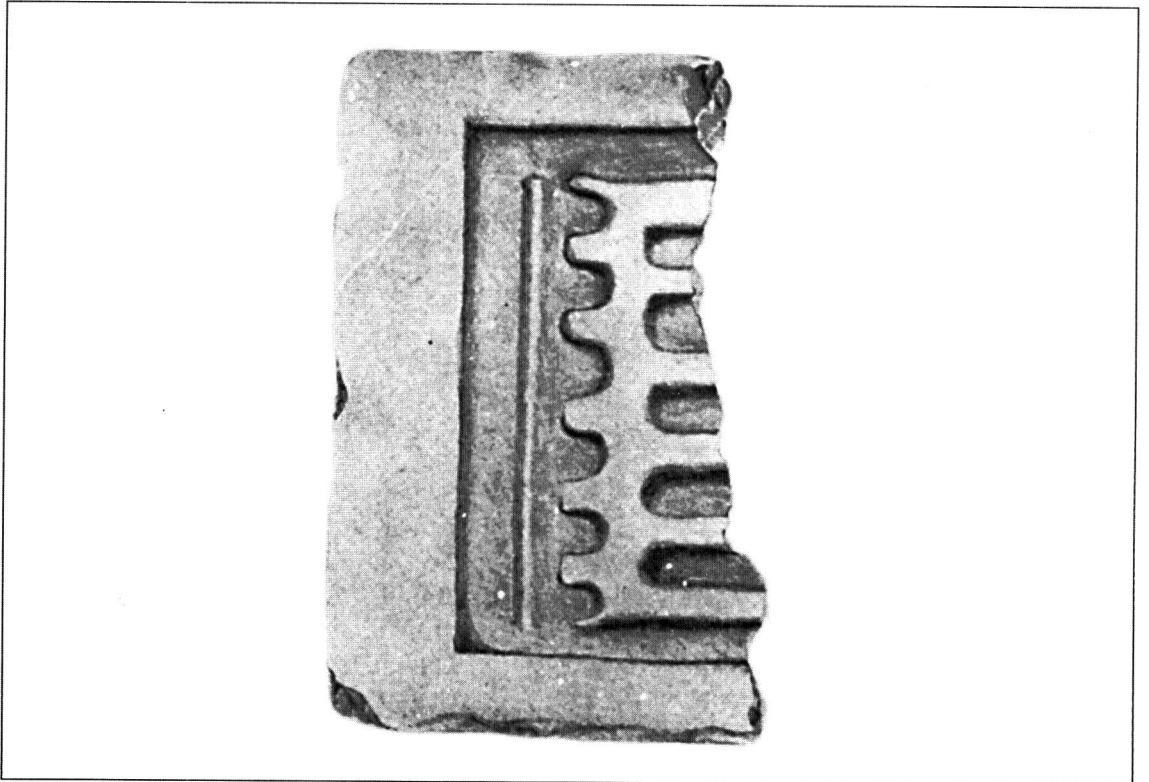


شکل ۱۸ - سفال، مسجد جمعه، گروه دو



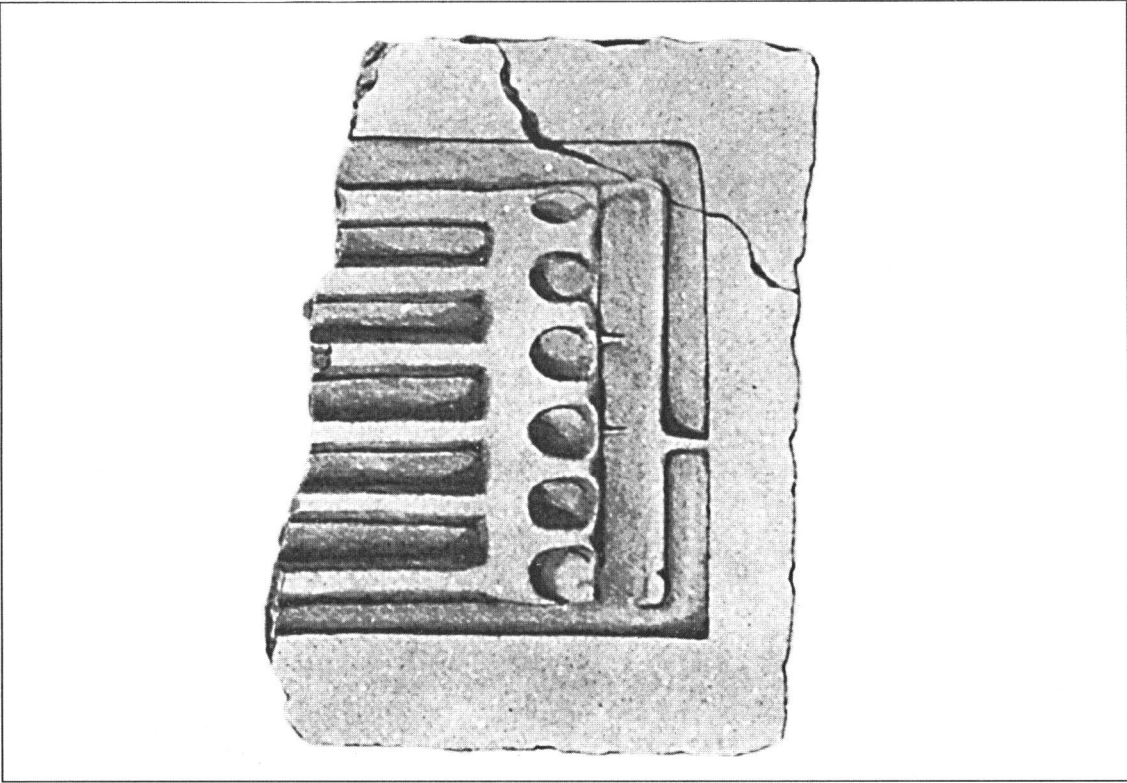


شکل ۱۹ - سفال، مسجد جمعه، گروه دو

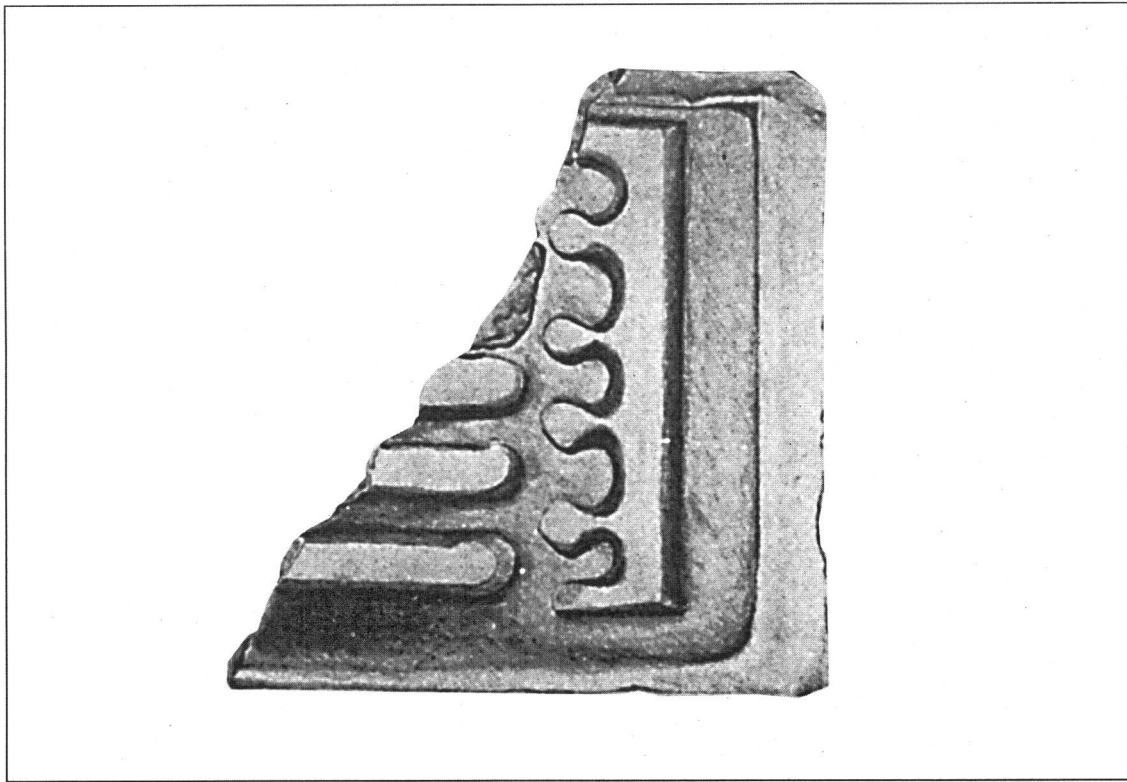


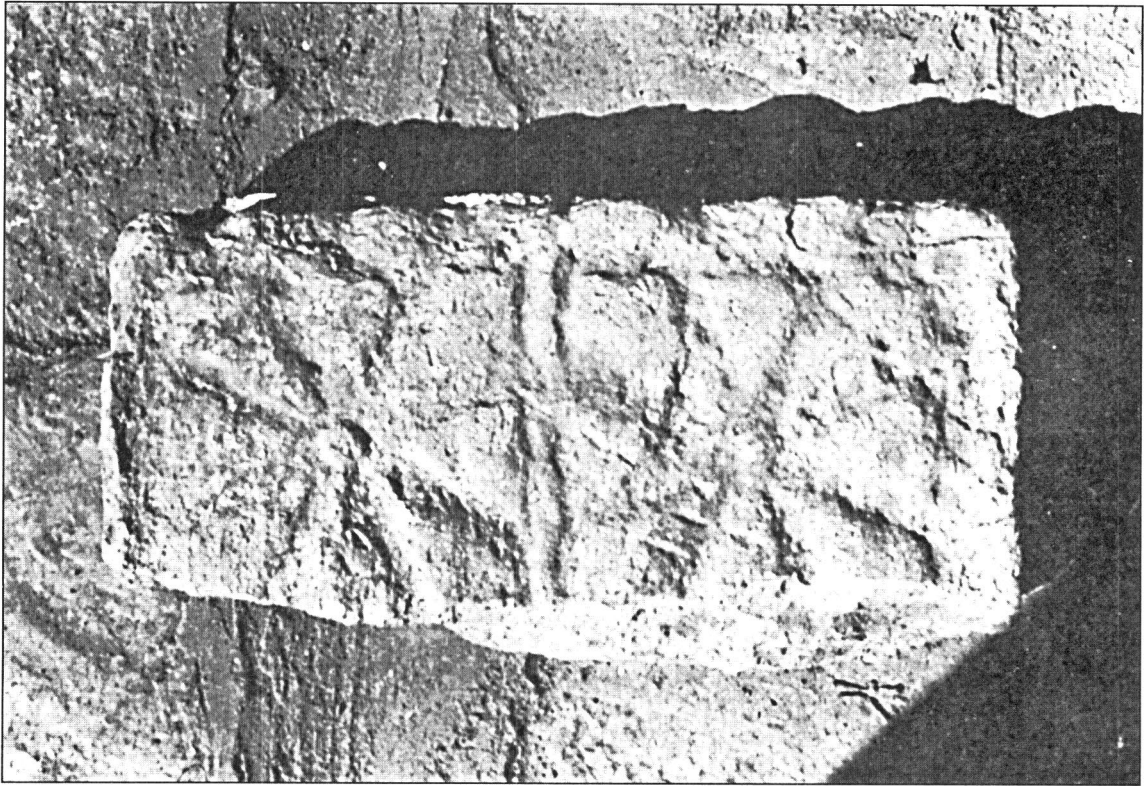
شکل ۲۰ - سفال، مسجد جمعه، گروه سه

شکل ۲۱ - سفال، مسجد جمعه، گروه سه

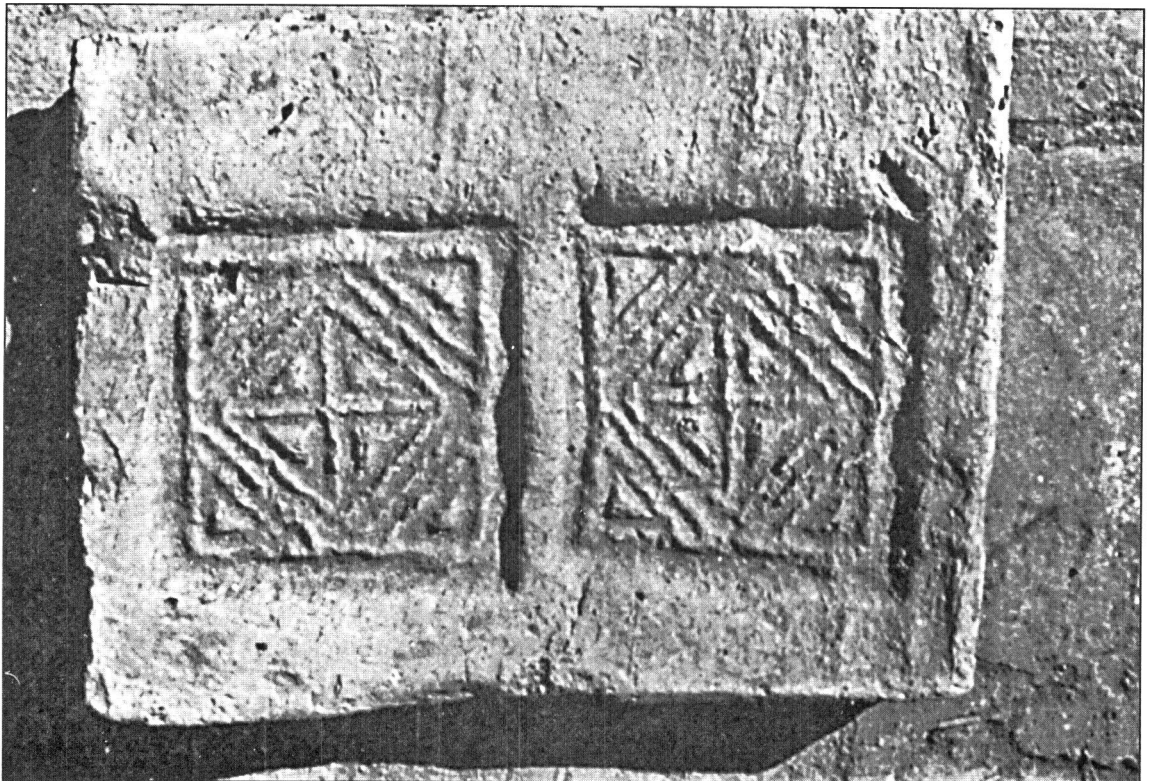


شکل ۲۲ - سفال، مسجد جمعه، گروه چهار

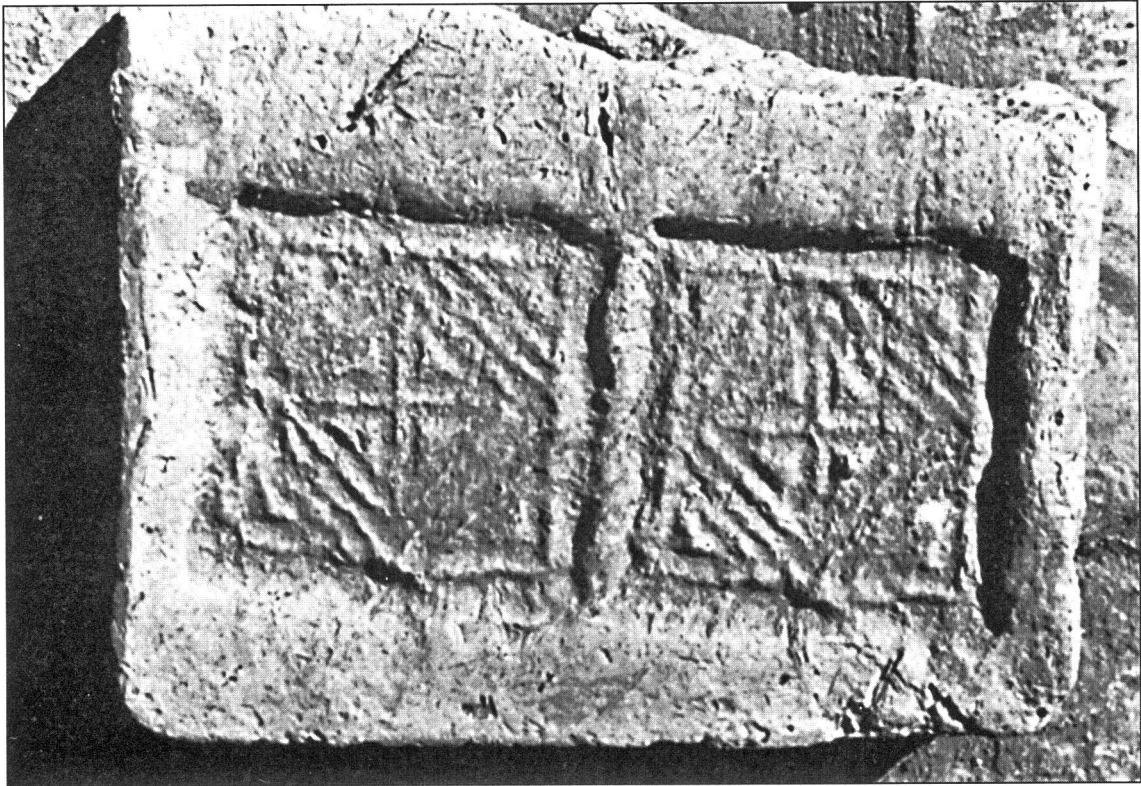




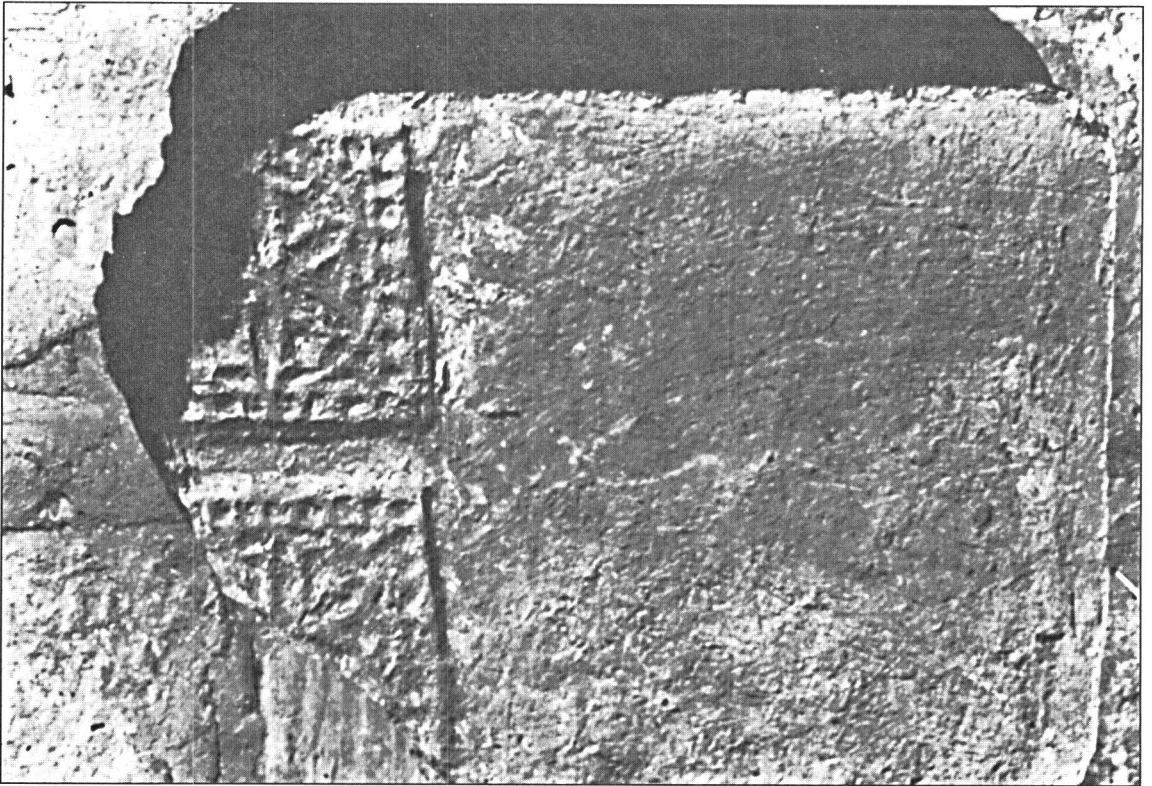
شکل ۲۳ - سفال، مسجد جمعه فهرج



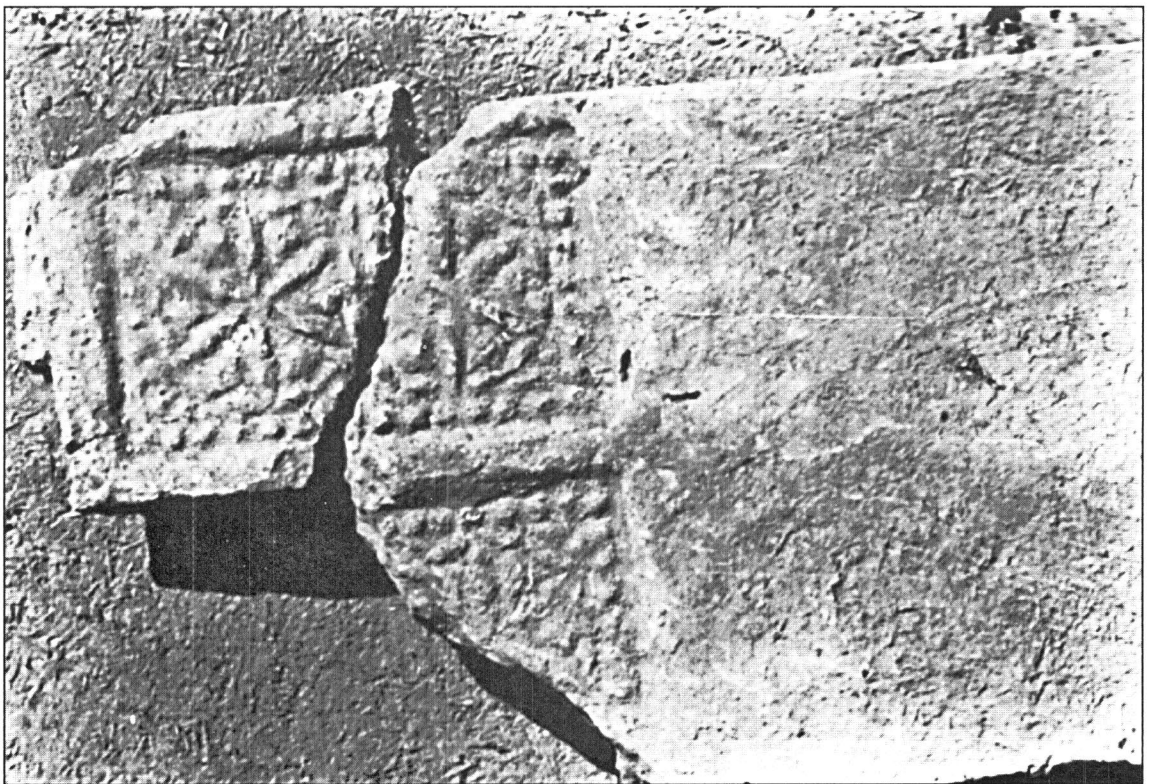
شکل ۲۴ - سفال، مسجد جمعه فهرج



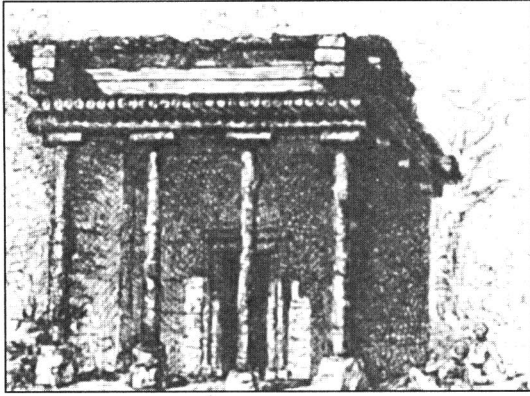
شکل ۲۵ - سفال، مسجد جمعه فہرج



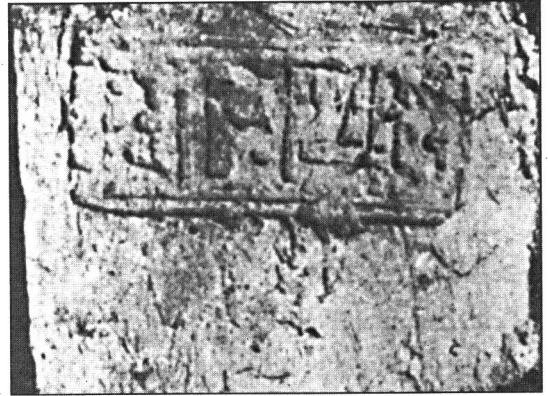
شکل ۲۶ - ستون، مسجد جمعه تبرج



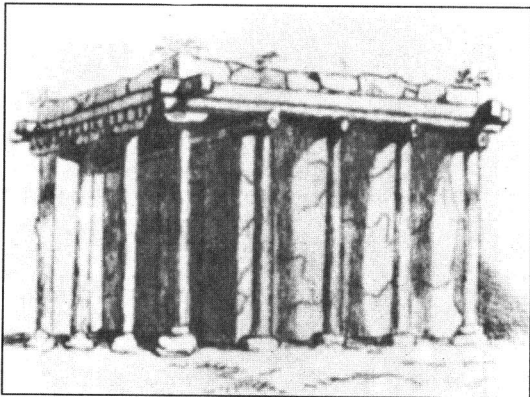
شکل ۲۷ - ستون، مسجد جمعه تبرج



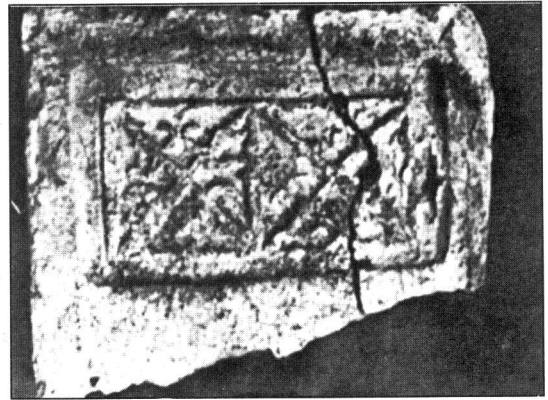
شکل ۳۱ - خانه در مازندران



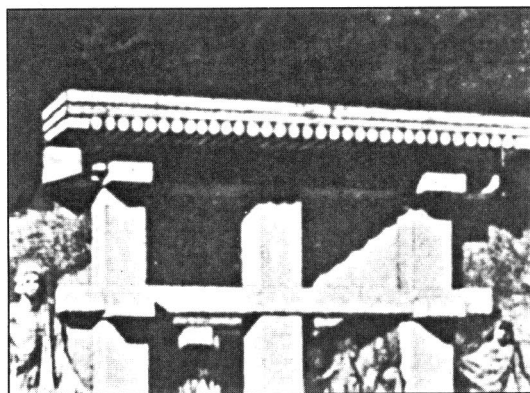
شکل ۲۸ - سفال قیبرا



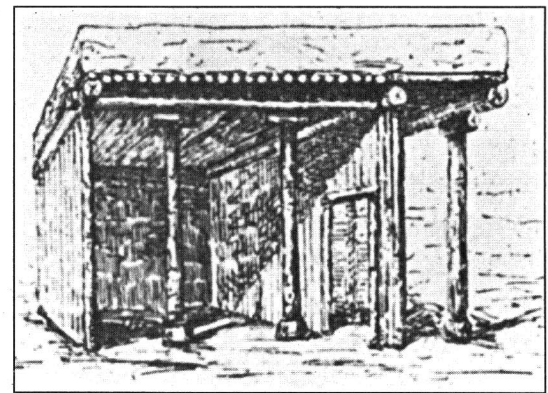
شکل ۳۲ - خانه در Xantos ، لیکیه (Licia)



شکل ۲۹ - سفال قیبرا



شکل ۳۳ - قبر « میرا » (Myra) ، لیکیه (Licia)



شکل ۳۰ - خانه در مازندران